



# سوریه در میانه آتش بس و مذاکرات آستانه

دکتر امین پرتو\*

## اشاره:

جنگ داخلی سوریه برای چندمین بار شاهد کوششی برای برقراری آتش بس بوده است. آتش بسی با ابتکار روسیه و ترکیه به نمایندگی از طرف دولت و مخالفان و البته بدون در بر گرفتن داعش، فتح الشام و متحدان آنها. قرار است ترتیبات این حل و فصل نهایی با مذاکراتی در آستانه، پایتخت قزاقستان روشن شود. اگرچه ناپایداری آتش بس و محتوای ترتیبات مورد نظر دو طرف برای آن به هیچ رو امیدوار کننده نیست. آمریکا ظاهراً بیرون از برنامه مذاکرات است؛ بخش بزرگی از مخالفان اسد که عضو داعش و فتح الشام یا متحد آنها نیستند، شامل آتش بس نشده اند؛ کردها هم با اصرار ترکیه نقشی در مذاکرات نخواهند داشت؛ عملیات جنگی روزمره جز در چند منطقه با شدت کمتر اما همچنان ادامه دارد. در این میان اقدامات مبهم طرفین و متهم ساختن یکدیگر ادامه دارد.

## مقدمه

خاتمه فتح حلب به وسیله نیروهای بشار اسد، برای برخی، نشانه‌ای از تمایل روسیه برای خاتمه جنگ سوریه یا کاستن از شدت آن به شکل جدا کردن مخالفان میانه روی اسد از دیگر جنگاوران تعبیر شد. روسیه، به همین منظور با ارتباط بیشتر با ترکیه به توافقی جهت آتش بس در سوریه دست یافت. قطعنامه ۲۳۳۶ شورای امنیت هم از این ابتکار برای آتش بس حمایت کرد. بر خلاف کوشش قبلی که در آن آمریکا و روسیه برای برقراری آتش بس به توافق رسیده اما توفیقی در اعمال آن نیافتند، این بار ترکیه از طرف مخالفان بانی آتش بس شده است. حرکت ترکیه به سوی

همکاری با روسیه و متقابلاً پاسخ مثبت روسیه به این اقدام ترکیه، چرخشی عجیب در سیاست خاورمیانه به حساب می آید. ترکیه جنگی روسیه را ساقط و تهدید کرد که همچنان اگر هواپیماهای روسی یا سوری به نقض حریم هوایش بپردازند، باز هم آنها را ساقط خواهد کرد. اما پس از قریب به یک سال، سیاست ترکیه چرخشی جدی را شاهد بود. به خصوص پس از کودتای ناموفق علیه اردوغان و حزبش و پس از آنکه اصرارهای ترکیه به آمریکا جهت خودداری از مسلح ساختن کردهای سوریه (ی.پ.گ) و ملزم داشتن آنان به عقب نشینی از غرب فرات به شرق این رود، توقف حملاتش علیه ارتش آزاد سوریه و همدستی با بشار اسد، به نتیجه نرسید، اردوغان دست دوستی به سوی روسیه دراز کرد. ترکیه نه فقط جریان اسلحه برای مخالفان اسد را تا حد زیادی محدود کرده، بلکه همکاری اطلاعاتی و نظامی با روسیه در سوریه را سازماندهی کرده است: برای اجتناب از رویارویی



جنگنده‌های دو طرف، مرکزی برای هماهنگی نظامی شکل گرفته و نیروی هوایی روسیه هم برای حمایت از تهاجم ترکیه در الباب و پیرامون آن، حملات هوایی علیه داعش انجام داده است. ترکیه ادعا می‌کند که در الباب با بن‌بست نظامی روبه‌رو شده است. ترکیه هم از نبود حمایت هوایی آمریکا به نفع عملیات در الباب ناخشنود است و هم از تداوم جریان انتقال سلاح به کردها و از این رو تهدید کرده است که ممکن است استفاده آمریکا از پایگاه اینجرلیک را متوقف کند.

### ابتکار ترکیه و روسیه و برقراری آتش بس

روسیه و ترکیه توانسته‌اند ابتکاری برای آتش بس پیشنهاد دهند؛ ابتکاری که هم توفیقی نسبی داشته و هم به شدت لرزان است؛ تداوم و همه‌گیری این آتش بس هم به همین سبب به شدت محل تردید است. روسیه تمایل خود برای حل سیاسی بحران سوریه را پس از فتح حلب نشان داده است. روسیه پیشنهاد کرده است تا در سوریه، آتش بسی که مخالفان میانه‌روی اسد را در بر بگیرد، برقرار شود؛ مبارزه با داعش و فتح الشام و متحدانشان ادامه یابد و کوششی برای آشتی ملی از طریق مذاکره میان دولت و مخالفان صورت گیرد. ترکیه نیز با پذیرش این طرح، به شرط واردنشدن کردها (ی.پ.گ) به مذاکرات و به رسمیت نشناختن آنان، مخالفان اسد را متقاعد به پذیرش آتش بس کرده است. با این حال، آتش بس مزبور از جهات متعددی محل تردید و بدبینی است:

نخست؛ آتش بس تنها گروه‌های مخالف اسد که در شمال این کشور هستند را در بر گرفته است. تکلیف سایر مخالفین در جنوب (درعا و قنیطره)، مرکز (شمال حمص) و حاشیه دمشق (غوطه غربی و شرقی و قلمون) مشخص نیست. در همین زمان آتش بس، نیروهای اسد به صورت گسترده به عملیات علیه این مناطق ادامه داده‌اند. مخالفان این عملیات را نقض آتش بس می‌دانند اما روسیه و اسد آن را بی‌ارتباط به آتش بس معرفی می‌کنند.

دوم؛ در آتش بس قید شده است که حملات به داعش و فتح الشام (جبهه نصرت سابق) و متحدین آنان ادامه خواهد یافت. حمله به داعش مشکلی ندارد اما چگونگی هدف حمله قرار دادن فتح الشام محل بحث جدی است. در بسیاری مناطق، فتح الشام با معارضان مشمول آتش بس عملاً قابل تفکیک

نیستند. مناطق تحت کنترل فتح الشام در شمال سوریه، در دل مناطق تحت کنترل مخالفان مشمول آتش بس است. از این رو این مسئله وجود دارد که چگونه می‌توان آتش بس را رعایت کرد و از مناطق شامل آتش بس هم گذشت؟ گرداگرد شهرها و روستاهای تحت کنترل فتح الشام در استان ادلب، مناطق تحت کنترل مخالفان مشمول آتش بس است.

سوم؛ در توافق آتش بس این مسئله ذکر شده است که آتش بس شامل فتح الشام و متحدان آن نمی‌شود. اسد به همین بند استناد کرده است و مناطقی مانند وادی بردی، که مخالفانی جز فتح الشام قرار دارند را هدف قرار داده و آن را محل حضور فتح الشام یا متحدان آن معرفی می‌کند. در حالی که روستاهای این منطقه در کنترل چهار گروه جیش الاسلام، احرار الشام، جیش تحریر الشام و لواء ابدال الشام هستند. همه اینها به جز نقض آتش بس به صورت روزمره در مناطق شمالی است.

چهارم؛ اقدامات طرفین آتش بس به شدت مشکوک است. روسیه از یک سو اعلام کرده است که نیروهای خود در سوریه را کاهش خواهد داد. به همین منظور ناو هواپیمابر کوزنتسوف سواحل سوریه را ترک کرد. اما حقیقت این است که ناو مزبور ارزش نظامی چندانی نداشت. پس از دو مورد حادثه برای جنگنده‌های آن در مدتی کوتاه، این جنگنده‌ها به جای پرواز از عرشه ناو، از پایگاه زمینی در سوریه برمی‌خاستند. اطلاع دقیقی هم از بازگشت آنها به ناو مزبور نیست. در حقیقت گویا ناو کوزنتسوف سوریه را ترک کرده اما جنگنده‌هایش همچنان



در سوریه هستند. این در حالی است که روسیه ۱۸ جنگنده اضافی (۱۲ سوخو ۲۵ و ۶ سوخو ۲۴) برای عملیات به سوریه فرستاده است. اخبار متعددی هم درباره آماده‌سازی نیروهای اسد برای شروع عملیات تازه منتشر می‌شود.

پنجم؛ مخالفان اسد، دچار سردرگمی گسترده‌ای شده‌اند و این امکان که میان بدنه سیاسی - دیپلماتیک آنان (که قرار است در مذاکرات شرکت کند) با بدنه نظامی آنان که در سوریه حاضر است، شقاق و تضادی عمیق پدید آید، زیاد است. فتح الشام و افراد نزدیک به آن، به مخالفان اسد هشدار می‌دهند که آتش‌بس و مذاکرات آستانه فریبی بیش نیست. با این طرح، مخالفان اسد تقسیم شده و تفرقه میانشان، به تضعیف بیشتر آنان منتهی خواهد شد. وقتی اسد و روسیه، کار فتح الشام و مخالفان آتش‌بس را تمام کردند، سراغ پذیرندگان آتش‌بس هم خواهند رفت. به عبارت دیگر، فتح الشام، به مخالفان نسبت به استراتژی «سالامی» اسد و روسیه هشدار می‌دهد. این استراتژی در جنوب سوریه و حاشیه دمشق جواب داد. اسد شهرهای پراکنده در کنترل مخالفان را یکی یکی تصرف کرد؛ بدون آنکه همه آنها اقدامی به اتفاق هم صورت دهند تا فشار از رویشان کم شود. اکنون در میان مخالفانی که آتش‌بس را پذیرفته‌اند، شقاقی جدی مشاهده می‌شود. برخی به تحلیل فتح الشام باور دارند. جیش المجاهدین (گروهی از ارتش آزاد که به موشک تاو مجهز است) هر گونه آتش‌بس را مردود و توطئه دانست. شاخه‌هایی از ارتش آزاد، مانند فرقه الوسطی، جیش

العزه، جیش النصر و الفوج الاول موضعی روشن در برابر آتش‌بس ندارند و حملات موردی علیه نیروهای اسد را البته به بهانه پاسخ به حملات آنان صورت می‌دهند. چند گروه مهم از مخالفان که جیش الاسلام (شاخه شمال)، فیلق الشام، فرقه الصفوه، الجبهه الشامیه و نیز گروه‌هایی کم اهمیت تر مانند صقور الشام، احرار الشریقه و لواء شهداء الاسلام و غیره را شامل می‌شوند، موضعی بینابین اتخاذ کرده‌اند و در عین اعلام هوشیاری نسبت به توطئه‌ها و تأکید بر برقراری آتش‌بس برای همه مناطق سوریه (به ویژه «وادی بردی»، «الوعر»، «غوطه شرقی»، «الرستن»، «تلبیسه» و «بیت جن») مذاکره با شروط مشخص و روشن (از جمله کنار رفتن اسد) را قطعی دانسته‌اند. در این میان بخشی از مخالفان از تحریم مذاکرات آستانه قزاقستان سخن گفتند و بخشی دیگر، از حضور قطعی در آن سخن به میان آوردند. در بدنه سیاسی - دیپلماتیک مخالفان هم در مورد مذاکره اختلافی جدی ایجاد شده است.

ششم؛ اقدامات بازیگران خارجی و موضع آنها نسبت به آتش‌بس و آینده آن روشن نیست. بشار اسد و نخبگان سیاسی و نظامی، در حالی سخن از فتح و جب به جب کشور می‌گویند که در مقابل بر مذاکره بر سر «همه چیز» در آستانه هم تأکید می‌کنند. این مذاکره بر سر همه چیز، در دیدار اسد با هیئتی متشکل از سه عضو مجلس ملی فرانسه به ریاست تیری ماریانی نیز بازگو شد. اما «همه چیز» به چه معنا است؟ کناره‌گیری اسد دست کم در پایان دوره انتقالی و یا پذیرش اینکه ایران و حزب الله از سوریه خارج شوند؟ در مورد هر دو مسئله تردید جدی وجود دارد. اسد این اطمینان را پیدا کرده است که به جز کردها (ی.پ.گ) که همچنان مورد حمایت آمریکا هستند و نیروهای آمریکایی در صفوفشان می‌جنگند، آمریکا مخالفان اسد را به حال خود رها کرده است. این رهاکردن در مورد ترکیه هم دیده می‌شود. ترکیه از مخالفان اسد خواسته است که یا مطیع محض آنکارا باشند یا اینکه به راه خویش بروند. این اطاعت محض، شامل شرکت در عملیات علیه داعش و کردها، پذیرش دستورات سیاسی ترکیه و ایجاد ارتش مشترک است. در جنوب هم اردن مخالفان را از هر اقدام تهاجمی علیه اسد بر حذر داشته است. از سوی دیگر، اسد می‌داند در حالی که ارتشی برای باقی نمانده، برای کنترل مناطق تصرف شده و ممانعت از ضدحمله مخالفان، تنها دارایی نظامی، ایران و حزب الله است؛ حال چگونه ممکن

است از آنان صرف نظر کند؟ ترکیه هم گرچه می‌کوشد رفتاری سازنده از خود نشان بدهد، اما همچنان در تناقضی عجیب با خود قرار دارد. ترکیه از یک سو بر این نکته تأکید کرده است که اسد تا زمان تکمیل‌گذار سیاسی می‌تواند بر سر قدرت بماند. مدتی بعد هم تلویحا از عقب‌نشینی خود از شرط کناره‌گیری اسد سخن گفت. اما بلافاصله نخست‌وزیر ترکیه گفت که با ماندن اسد، صلح هیچ‌بختی در سوریه نخواهد داشت. در این میان مسئله مذاکرات و آتش‌بس با غیبت نسبی ایران و غیبت کامل آمریکا همراه شد. البته آمریکا واکنش تندی نشان نداد - و گویی که سوریه اهمیتی برایش ندارد - از پشتیبانی خود از طرح آتش‌بس سخن گفت. البته روسیه مدتی بعد آمریکا را (و البته دولت ترامپ را نه دولت اواما را) به آستانه دعوت کرد. آمریکا خواستار شرکت کردها در مذاکرات نیز هست اما ترکیه اعلام کرده که اگر بنا بر حضور کردها باشد، داعش هم باید در مذاکرات آستانه حاضر شود. ترکیه همین‌طور خواهان شرکت عربستان و قطر در مذاکرات است. ترکیه، ایران و حزب‌الله را به ایفای نقش مخرب در روند آتش‌بس و مذاکرات متهم کرده است. ترکیه بر خروج نیروهای خارجی از سوریه تأکید دارد. برخی این کنایه را متوجه ایران و حزب‌الله می‌دانند اما شاید منظور ترکیه بیشتر به آمریکا است. آمریکا تعدادی نامشخص (احتمالا تا چند هزار نفر) نیروی نظامی در سوریه و در میان کردها دارد. با نبود این نیروهای آمریکایی، ترکیه با راحتی بیشتری به کردها حمله خواهد کرد.

هفتم؛ آیا محصل مذاکرات آستانه برای مخالفان، آتش‌بس و بمباران‌نشدن توسط اسد و روسیه و رسیدن کمک به مناطق تحت محاصره خواهد بود؟ آیا پس از آن مخالفان نمایندگانی از ادلب و درعا و قنطره به دمشق می‌فرستند تا پستی در کابینه اسد داشته باشند؟ و آیا این چنین، مخاصمه در سوریه خاتمه خواهد یافت؟ امکان چنین راه‌حلی، دست‌کم روی کاغذ وجود دارد. مانند الگوی بوسنی، آتش‌بسی پایدار و البته در سوریه، بدون خلع سلاح مخالفان. با تداوم آتش‌بس، آوارگان سوری به میهن خود باز خواهند گشت. هر چند این تردید هست که این بازگشت، در دل خود نطفه‌های شروع دوباره تنش را در بر داشته باشد. چه تضمینی برای آینده وجود خواهد داشت؟ در بوسنی، حضور نیروهای ناتو، پشتیبانی مالی و سیاسی اروپا و همکاری طرفین درگیر، ثبات توافق‌ها را تضمین می‌کرد؛ اما در سوریه چه کسی ضامن اعتبار

توافق‌ها خواهد بود؟ اگر مخالفان دریابند که ترکیه در حال معامله بر سر آنها با روسیه و اسد در ازای سرکوب کردن کردها است، ممکن است به راه خود بروند. حسن دغیم، یکی از سرکردگان مخالفان اسد در گروه موسوم به «جبهه انقلاب سوریه» کوشش گسترده‌ای برای اتحاد و استقلال ملی مخالفان صورت داده است. او به فتح الشام پیشنهاد داده تا ضمن اعلام انحلال خود، نیروهایش میان شاخه‌های ارتش آزاد تقسیم شوند و سرانش هم مخفی و متواری گردند تا بهانه‌های اسد و روسیه محمل خود را از دست بدهند. به علاوه، مخالفان با ایجاد ارتشی مشترک، از تکرار شکست‌های فضاحت‌باری مانند حلب، البته این بار در ادلب و جسرالعشور جلوگیری کنند.

### تداوم درگیری‌ها در میانه آتش‌بس

آتش‌بس گرچه شمال سوریه را به طور نسبی امن کرده، اما درگیری‌ها با شدت تمام در سایر نقاط ادامه دارد. در همان شمال، بمباران روزانه ادلب، خان شیخون و مناطق مختلف ادامه دارد. روسیه بیشترین بمباران را انجام می‌دهد اما آمریکا هم به تازگی بر شدت عملیات هوایی در ادلب برای شکار و قتل رهبران فتح الشام افزوده است. در یک حمله هوایی آمریکا ابوانس المصری و ابو عکرمة التونسی، دو فرمانده مهم فتح الشام و در حمله‌ای دیگر، بیست عضو و فرمانده فتح الشام از جمله ابو معتمم الدیاری، ابو خطاب القحطانی و ابو عمر الترکستانی (از حزب اسلامی ترکستان که متحد فتح الشام است) کشته شدند. حملات جسته و گریخته دیگری هم توسط آمریکا

علیه فتح الشام در ادلب صورت گرفته است. آمریکا علیه داعش هم بیکار نشست و این بار مستقیماً به یاری اسد آمد. در حالی که داعش با فتح مجدد تدمر، حجم عظیمی سلاح و مهمات به غنیمت گرفته بود<sup>۱</sup> و به سوی غرب پیشروی می کرد با حملات هوایی سنگین آمریکا مواجه شد: تنها در یک روز، مطابق با اعلام رسمی فرماندهی عملیات آمریکا علیه داعش، ۱۴ تانک، ۳ قبضه توپ، دو ساختمان محل تجمع نیروها، دو خودروی تاکتیکی و یک توپ ضد هوایی منهدم شد. آمریکا در نزدیکی دیرالزور هم با عملیاتی متهورانه با پیاده کردن نیروهای ویژه با هلیکوپتر در پشت خطوط داعش، تعدادی از آنها را به هلاکت رسانده و برخی فرماندهان آن را به اسارت خود در آورد و از منطقه خارج ساخت. این به جز عملیات هوایی گسترده آمریکا علیه داعش در شمال رقه است. کردها با حرکت در حاشیه شرقی فرات به سوی جنوب، به نزدیکی شهر و سد عظیم «طبقه» رسیده اند.

داعش زیر حملات متقابل اسد و روسیه، مجبور به تخلیه حاشیه تیاس شده است. گرچه هنوز تیاس و فرودگاه تی-۴ تحت خطر هستند. اسد آماده حمله مجدد به سوی تدمر است. گرچه به نظر می آید این بار عملیات آزادی تدمر، مانند دفعه قبلی، کم تلفات و آسان نباشد. داعش در همه جا، مقاومت تا پای جان را در پیش گرفته است زیرا دیگر جایی برای گریختن نیست. داعش در دیرالزور،

حملات سنگینی علیه مواضع نیروهای دولتی کرده است. با وارد شدن تلفات سنگین، دیرالزور در خطر سقوط جدی قرار دارد. حملات هوایی روسیه پیشروی داعش را کند و پرتلفات می کند اما محاصره منطقه و نبود این امکان که نیروی زرهی جدید به مخالفان اضافه شود، برای آنها مشکلی جدی ایجاد کرده است. کمک های هوایی با انتقال نیروی پیاده، برای هجوم داعش کفایت نمی کند. داعش فرودگاه دیرالزور را زیر ضربه قرار داده به صورتی که دو جت جنگی را در آشیانه با موشک ضد تانک منهدم ساخته است. داعش در الباب هم توانسته ضربات سختی به اتحاد ترکیه و ارتش آزاد وارد کند. داعش اجازه هیچ پیشروی به آنها نداده است. الباب زیر حملات توپخانه ای و هوایی، ویرانه ای به تمام معنا شده، اما هنوز داعش با خودروهای انتحاری، حملات برق آسا و موشک های ضد تانک، به بلای جان نیروهای ترکیه و ارتش آزاد بدل شده است. دست کم ده فروند تانک پیشرفته لئوپارد-۲ و تعداد زیادی نفربر زرهی ترکیه توسط داعش منهدم شده و تعدادی هم به غنیمت درآمده است. با این حال، داعش در برخی نقاط هم شکست هایی را متحمل شده است: به جز شمال رقه، در عمق بادیه، نیروهای «قوات شهید احمد العبدو»، «جیش الاسود الشریقه» و «جیش الاحرار العشایر» بادیه سوریه در مجاورت با اردن را تا حد زیادی از وجود داعش پاکسازی کردند. زلف و سد زلف، ابوخشبه، بئر التیس و بسیاری از ارتفاعات منطقه آزاد شده است. گرچه این مناطق اهمیت چندانی ندارند. شاید تنها بتوانند بعدها مسیری برای انتقال کمک از طریق اردن باشند. گام بعدی این نیروها حمله به سوی نیروهای داعش در بادیه شرق دمشق است. احتمال درگیر شدن آنها با نیروهای اسد اندک است. با آنکه آنها به خوبی مجهز هستند اما مدت هاست در توافقی احتمالی از حمله به نیروهای اسد خودداری می کنند.

نیروهای اسد در جنوب موفقیت هایی عمده داشته اند. در غوطه شرقی، عملیات علیه مخالفان ادامه دارد. گرچه جیش الاسلام و فیلق الرحمان عاقبت نیروی مشترک و عملیات هماهنگ انجام دادند، اما کمبود مهمات و اسلحه و زوال نیروی انسانی، آنان را در برابر ارتش اسد به تنگنا افکنده است. آنان دفاع می کنند و گاه مناطقی را بازپس می گیرند، اما این همه به بهای تلفات انسانی و از دست رفتن مهمات و تجهیزاتی بدون جایگزین حاصل می شود. در حزرما و میدعانی، آنان موفقیت هایی به

۱. رجوع کنید به دیده بان شماره قبل که شرح این غنایم داده شده است: ۴۴ تانک، ۷ نفربر بی ام پی، ۷ توپ ۱۳۰، ۱۴ تیربار ۲۳، موشک ضد تانک و حجم عظیمی از خودروها، سلاح سبک و مهمات آن.

### نتیجه‌گیری

پیش‌بینی آینده جنگ داخلی سوریه چندان هم وابسته به نتیجه مذاکرات آستانه نخواهد بود. حتی اگر مذاکراتی سازنده صورت گیرد، هنوز جبهه‌های بسیاری برای اشتعال وجود دارد. فتح الشام، داعش و کردها، همچنان بهانه‌های تداوم جنگ هستند. فتح الشام برای یارگیری از میان جریان‌های دیگر کوشش می‌کند. موضع بسیاری از گروه‌های مخالف اسد، آمیخته با سردرگمی، یأس و استیصال است. آنان اگر به نقطه‌ای برسند که خود را کاملاً رهاشده بیندارند، به مسیر انتحار و ادغام با فتح الشام خواهند رفت. این نقطه استیصال، اکنون که ترکیه آنها را تنها مهره‌ای برای مقابله با کردها می‌خواهد به اوج رسیده است. آتش‌بس در سوریه به تنهایی دارای مشکلات و ابهامات زیادی است. ابهامات و مشکلات دستیابی به صلح نهایی از این هم بیشتر خواهد بود. بیهوده نیست که جان کری، وزیر خارجه آمریکا، گفته بود که در چهل سال عمر فعالیت سیاسی خود شاهد بحرانی به پیچیدگی بحران سوریه نبوده است.

دست آوردند اما موفقیت‌هایی که صرفاً تدافعی، موقت و بسیار ناپایدار است. هیچ امیدی برای آنها از بیرون نیست. در قلمون شرقی، برخی همقطاران‌شان، به گلوله‌باران پراکنده فرودگاه‌های نظامی ضمیر و ناصریه و قطع گاز دمشق پرداختند، بدون آنکه نفعی از این اقدامات حاصل شود. سقوط کامل غوطه شرقی، که غریب به نظر می‌رسد، مهر باطل شدن مخالفان اسد در حومه دمشق است.

اما درگیری‌هایی که سروصدای بیشتری داشت، در وادی بردی بود. منطقه‌ای کوهستانی که آب دمشق را تأمین می‌کند. به دنبال شروع عملیات علیه این منطقه، آب دمشق قطع شد. دولت مخالفان را به آلودن آب منطقه با گازوئیل متهم کرد و مخالفان هم مدعی تخریب تأسیسات آبرسانی وادی بردی بر اثر بمباران هوایی دولت شدند. حملات نیروهای اسد علیه وادی بردی به شدت ادامه دارد اما مخالفان هم به شدت دفاع کرده و از تسلیم شدن خودداری کرده‌اند. اسد که توانسته بود کفر حواری و نواحی پیرامون آن را بدون درگیری تصرف کند، فعلاً از توفیق مشابه در مورد وادی بردی و نیز بیت جن ناکام مانده است. با این حال یک چیز مشخص است: کار مخالفان در حاشیه دمشق تمام است. آنچه در حاشیه دمشق اما باز هم رخ داد، انجام حملاتی جدید از سوی اسرائیل بود. گرچه اسرائیل این بار به تغییر روش در حملات خود روی آورده است و به جای حملات هوایی، در حمله جدید به فرودگاه «مزه» از راکت‌های دوربرد و هدایت‌شونده استفاده کرده است.

اسد در درعا هم دست به حملاتی زده است. «محجه» که در محاصره بود در آستانه سقوط قرار دارد. هر چند تاکنون مقاومتی بیش از تصور از خود نشان داده است. مخالفان اسد در درعا که تاکنون ساکت بودند، ناگهان برای کمک به محجه به میدان آمدند و چند تانک و نفربر اسد را با شلیک پیاپی موشک‌های تاو منهدم کردند. با این حال، این اقدامات مشکلی اساسی برای نیروهای اسد ایجاد نکرده است. مخالفان اسد در درعا، عملیاتی هم علیه «جیش خالد بن ولید» که متحد داعش است، انجام دادند که نتیجه چندان قاطعی هم در بر نداشت. مخالفان در جولان و حومه شمالی حمص، حملاتی علیه نیروهای اسد را صورت دادند. احرار الشام و فتح الشام هر دو حمله را سازمان‌دهی کردند، اما حاصل هر دو عقب‌نشینی‌های سریع بود.

